

خواندن

بزرگترین کلکسیون شخصی هواپیماهای جنگی



بزرگترین هوا: در میان تپه‌های بورگاندی در فرانسه، یک قلعه قرن چهاردهمی متعلق به میشل پونت قرار دارد که توسط تاکستان‌ها و زمین‌های جنگلی احاطه شده است. او عاشق همه چیزهایی است که سریع حرکت می‌کنند: ماشین‌های مسابقه‌ای، موتورسیکلت و حتی جت‌های جنگنده!

پونت میشل قلعه خود را به یک موزه بزرگ با بیش از ۲۵۰ موتورسیکلت، ۳۰ اتومبیل مسابقه و کلکسیون چشمگیر از ۸۰ هواپیمای جنگی و هلیکوپتر تبدیل کرده که بزرگترین کلکسیون شخصی جهان است.

او جمع‌آوری موتورسیکلت را از بیست‌سالگی آغاز کرد. بعدها به مسابقات اتومبیل‌رانی علاقه‌مند شد و در مسابقات قهرمانی دهه‌های ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ شرکت کرد؛ اما بعد از یک تصادف جدی که نزدیک بود به قیمت جانش تمام شود، تصمیم گرفت مسابقات را ترک کند و در عوض اتومبیل‌های مسابقه‌ای را جمع‌آوری کند.

علاقه پونت به هوانوردی از این‌ها هم قدیمی‌تر است و به حرفه نظامی او در دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. پونت به‌عنوان یکی از اعضای نیروی هوایی، این فرصت را داشت که خلبان‌ها و انواع هواپیماها را از نزدیک ببیند. او حدود ۳۰ سال پیش شروع به خرید هواپیماهای از کارافتاده از سراسر جهان مثل پرتغال، روسیه و انگلستان علاوه بر فرانسه کرد. او با یک تیم مکانیک برای خرید هواپیما سفر می‌کرد، قطعات آن‌ها را از هم باز می‌کرد، یک جرقه‌گیر اجاره می‌کرد، یک وسیله حمل‌ونقل پیدا می‌کرد و قطعات را به فرانسه می‌برد. آخرین هواپیمای او سبیر (sabre) بود، یک هواپیمای آمریکایی که در سوئد خرید و آن را درست مثل روز اولش تعمیر، رنگ‌آمیزی و تمیز کرد.

پونت در اوایل دهه ۱۹۸۰ این قلعه و باغ اطراف آن را خرید. این قلعه ابتدا در سال ۱۳۴۰ توسط دوک اودوی ساخته شده بود، اما در سال ۱۴۷۸ بعد از حمله بورگاندی توسط لویی یازدهم ویران شد و توسط خانواده بور در قرن هفدهم بازسازی شد.

وقتی پونت این املاک را خرید، باغ‌ها بایر بودند، بنابراین چهار هکتار درخت انگور کاشت و ۲-۳ هکتار برای هواپیماهای خود آماده کرد. کلکسیون ماشین‌های مسابقه و موتورسیکلت‌های او در داخل قلعه هستند.



می‌پردازیم که نباید بعد از دعا توقع اجابت آن را داشته، بلکه باید به حکمت خدا ایمان داشته باشیم؛ اما برای نشان دادن تجزیه و تحلیل درست باید نشان می‌دادیم که قهر مرضیه با خدا جدی است و پای قهرش می‌ایستد.

در قصه مرضیه شاهد مرگ قهرمان اصلی هستیم. چرا خیلی زود شاهد این اتفاق در قصه هستیم؟

به دلیل این که مرگ بخشی از زندگی ماست و مهم این است که ما بعد از مرگ عزیزانمان یاد بگیریم که چطور خودمان را تسلی بدهیم. ما در این سریال، بهشت‌زهره و مراسم خاکسپاری را نشان دادیم که نه فقط کام مخاطب را بیش‌ازاندازه تلخ کنیم، بلکه به این موضوع می‌پردازیم که اطرافیان بعد از مرگ بازماندگان باید خودشان را به حکمت خدا بسپارند و صبور باشند.

ما در این سریال شاهد صحنه‌های غافلگیرکننده‌ای هستیم، مثلاً وقتی مرضیه با خدا قهر می‌کند، پرچم‌های مشکی خانه را پایین می‌آورد، فکر نمی‌کردید این صحنه با عیسی روبه‌رو شود؟

خیلی نگران بودم و این اضطراب تا زمان بخش قسمت پنجم ادامه داشت و بعد از آن نفس راحت کشیدم. خوشبختانه مدیران شبکه دو و کارشناس سریال حجت‌الاسلام حسنی همکاری بسیار زیادی با ما داشتند. اگر ما چنین صحنه‌ای را نشان دادیم، بعد از آن تحلیل هم به تصویر کشیدیم. مگر ممکن است تلویزیون چنین توهینی کند، آن‌هم در ماه محرم؟ ما می‌خواستیم تقابل زمانی که ایمان در معرض امتحان قرار می‌گیرد را نشان بدهیم، به همین دلیل قهر مرضیه باید جدی می‌بود نه در حد پشت چشم نازک کردن! باید این قهر برای مخاطب باورپذیر می‌بود، دلیل این که این صحنه برایتان جالب بود به این خاطر بود که در تلویزیون عادت به نمایش دادن چنین چیزهایی ندارید و به‌دراز کارهای همیشگی است، اما ما می‌خواستیم قصه محرم را به شکلی متفاوت روایت کنیم. خوشبختانه مدیران شبکه دو این همکاری را با ما کردند، حتی مسئول بخش قبل از نشان دادن این صحنه از من توضیح خواست و به او گفتم که باید چنین صحنه‌ای در کار باشد و نیاز داریم تا بعد تحلیل آن را هم ارائه کنیم. توقع داشتم در تکرار این صحنه‌ها دردیاد، اما در بخش مجدد هم خوشبختانه این صحنه نشان داده شد.

یعنی معتقدید درگیر شعار تشدید و کار شعارزده نیستی؟

بله، ما نمی‌خواستیم حرف‌هایی در این سریال مطرح شود که شعاری باشد. می‌خواستیم حس‌های مرضیه برای همه مخاطبان قابل‌لمس باشد. در سریال مرضیه به حس‌های درونی آدم‌ها می‌پردازیم. به‌هیچ‌وجه در قالب شخصیت‌های دیگر قصه، مرضیه را نصیحت نمی‌کنیم، بلکه اجازه می‌دهیم خودش وارد قصه شود.

قهرمان قصه خیلی سریع می‌میرد، درحالی که مخاطب انتظار آن را نداشته. باینکه نقش کوتاه هست چطور امیرحسین صدیق قبول کرد؟ چون معمولاً بازیگرانی که سال‌ها سابقه کار دارند نمی‌پذیرند نقش کوتاه به عهده داشته باشند.

باینکه نقش علی کوتاه بود، اما بازی آن سخت و پیچیده بود. آقای صدیق واقعاً منت گذاشتند و تعارف هم ندارم. همان‌طور که خودتان گفتید معمولاً بازیگران حرفه‌ای نمی‌پذیرند، اما آقای صدیق به گروه ما ملحق شد. وقتی مخاطبان آقای صدیق را برای نقش علی دید، اصلاً باور نمی‌کرد خیلی زود می‌میرد و فکر می‌کرد دعای همسر، بیچه و اطرافیان جواب می‌دهد و زنده می‌ماند.

سارگردان سریال مرضیه: مشق عاشقی در تلویزیون



نمی‌توانند بگویند دوست دارم. علاوه بر آن ما روابط عاشقانه در تلویزیون کم می‌بینیم. حرف من این نیست که چرا از کلمات عاشقانه استفاده می‌شود، بلکه منظور این است که در نشان دادن احساسات میان مرضیه و علی کمی زیاده‌روی شده است؟ نظر شما محترم است، اما به نظر زیاد نیست. مابه‌ازای افرادی مثل علی و مرضیه در جامعه هستند که عاشقانه همدگر را دوست دارند و همان‌طور که تأکید کردم عشق چیز بدی نیست. پس نگران نباشیم که آن را نشان دهیم.

یعنی معتقدید مابه‌ازای علی و مرضیه زیاد هست؟ درحالی که زندگی‌های روزمره اطرافیان چنین چیزی را نشان نمی‌دهد؟

من به کم یا زیاد بودن چنین افرادی کار ندارم، بلکه بحث من این است که باید رفتارهای خوب و صحیح را ترویج بدهیم. به‌ویژه این که گوش‌ها باید چنین مواردی را بشنوند و زن و شوهرها از این که به هم کلمات عاشقانه بگویند، خجالت نکنند. چرا کلمه «هانی» را به هم می‌گویند، اما به هم نمی‌گویند که قربونت برم. یا این که عزیزم دوست دارم. از زمانی که سریال‌های ترکیه‌ای باب شده، کلمه عشقم از چنین سریال‌هایی وارد ادبیات ما شده است. به‌جای این که مخاطبان از سریال‌های ترکیه‌ای ایرانی عشق را یاد بگیرند، می‌توانند از سریال‌های ایرانی عشق را یاد بگیرند. بعد هم چه اشکالی دارد که روابط زن و شوهر در سریال‌ها خیلی خوب نشان داده شود که به مخاطب الگو بدهیم، همیشه باید زن و شوهرها را در حال دادوبیداد و بی‌احترامی به هم نشان بدهیم. به همین دلیل باید گوش‌خامی را به چنین واژه‌هایی عادت بدهیم. ضمن این که ما در این سریال به مباحث متفاوتی پرداخت کرده‌ایم. از جمله این که وقتی مرضیه همسرش را از دست می‌دهد با خدا قهر می‌کند، عزاداری‌ها را نشان دادیم یا در بخش‌های مختلف قصه به مفاسد اقتصادی اشاره کردیم.

در بخشی از این سریال، ایمان مرضیه در معرض امتحان قرار می‌گیرد. وقتی او بعد از مرگ همسرش خطاب به برادر همسرش (حسن زارعی) می‌گوید تأثیر دعا چیست؟ و اگر دعا تأثیر دارد پس چرا سیه‌پوش هستیم؟ گذاشتن چنین دیالوگ‌هایی در قصه مرضیه مثل راه رفتن روی لبه برنگاه بود. چطور تن به چنین ماجرای دادید؟

وقتی طرح قصه را هر کس می‌خواند، این حرف را به من می‌گفت که قصه خطرناک است و ریسک دارد، حتی با این خطر هم روبه‌رو بودیم که به سمت شعار برویم، اما من نمی‌خواستم مخاطب اثری حس‌زده ببیند. می‌خواستیم تقابل زندگی با ایمان را به‌درستی تجزیه و تحلیل کنیم. همین کار را سخت می‌کرد، اما ترجیح دادم این سختی را به جان بخرم. اتفاقی که در قصه برای مرضیه پیش می‌آید و عزیزش را از دست می‌دهد، برای خیلی‌های دیگر هم پیش‌آمده است. همیشه هم در این مواقع به این موضوع فکر کرده‌ایم، چون ما آدم‌های خوبی هستیم، پس باید دایمان پذیرفته شود و وقتی که این اتفاق نمی‌افتد، حتماً یک علامت سؤال در ذهنمان شکل می‌گیرد که چرا صدای دعای ما شنیده نشده است. ما در قصه مرضیه به این موضوع

امروز شما

فروردین

اگرچه شما ذهن فعالی دارید اما گزینیه‌های زیادی پیش روی‌تان است به همین دلیل قدرت تصمیم‌گیری ندارید. بهتر است به‌جای این پا و آن پا کردن، یکی را انتخاب کنی و وقت و انرژی‌تان را روی همان یک راه بگذارید. اگر مجرد هستید، با اطرافیان‌تان و جمع‌هایی که در آن حاضر می‌شوید، انتظاف‌پذیرتر باشید.

اردیبهشت

این روزها زود از کوره درمی‌روید. سرکوب کردن عصبانیت اگرچه سخت است اما شما باید به دنبال راهی برای کنترل آن باشید، در غیر این صورت یک روز می‌بینید که دوروبرتان خالی شده است. نگران شرایط مالی‌تان هستید. به‌زودی پولی به دستتان می‌رسد و تمام بدهی‌هایتان صاف خواهد شد.

خرداد

امروز تا می‌توانید روابط خود را با دیگران افزایش دهید. شما نباید به دنبال نقاط مشترک میان خود و شریک‌تان باشید، حتی اگر آنها با شما مخالفت کردند، به حرف‌هایشان گوش دهید. همین تفاوت دیدگاه‌هاست که دید شما را بازتر کرده و شما را به سمت جلو و پیشرفت در کار سوق می‌دهد.

تیر

در نتیجه تلاش‌های اخیرتان، امروز آن‌قدر مورد تحسین دیگران قرار می‌گیرد که اعتمادبه‌نفس‌تان دوچندان می‌شود؛ اما نباید تلاش‌تان را کنار بگذارید. هر چه سخت‌کوش‌تر باشید موفق‌تر خواهید بود. شما در مورد رابطه عاطفی‌تان و سواس زیادی به خرج می‌دهید.

مرداد

به فکر تیسری بزرگ در زندگی‌تان هستید. این تغییر می‌تواند تغییر محل کار یا خانه‌تان باشد. هر چه هست بر روحیه شما تأثیر خوبی می‌گذارد. پیشنهادی به شما شده که نمی‌توانید در مورد تصمیمات مطمئن شوید.

شهریور

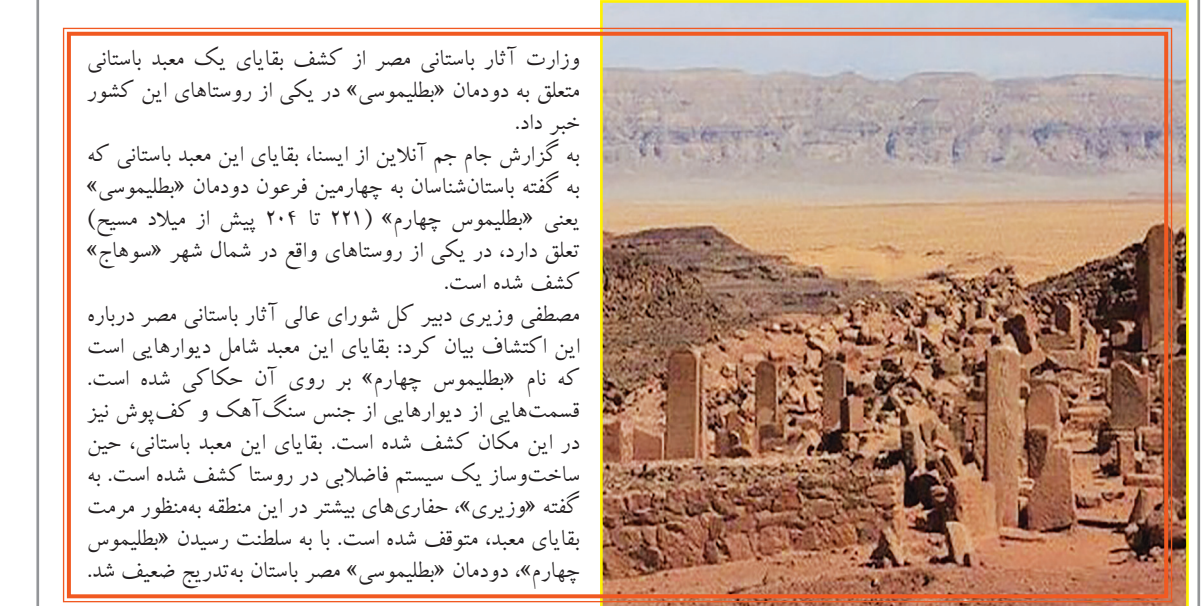
به‌جای این که دور خودتان بچرخید و تاندیک که چه‌کاری انجام دهید، بهتر است که از افراد باتجربه کمک بگیرید. این ضعف شما نیست بلکه اعتمادبه‌نفس‌تان را نشان می‌دهد. پس برای یادگیری معطل نکنید.

ترده خطرناک اهالی روستاهای عنافچه با قایق، اهواز



وزارت آثار باستانی مصر از کشف بقایای یک معبد باستانی متعلق به دودمان «بطلموسی» در یکی از روستاهای این کشور خبر داد. به گزارش جام جم آنلاین از ایسنا، بقایای این معبد باستانی که به گفته باستان‌شناسان به چهارمین فرعون دودمان «بطلموسی» یعنی «بطلموس چهارم» (۲۲۱ تا ۲۰۴ پیش از میلاد مسیح) تعلق دارد، در یکی از روستاهای واقع در شمال شهر «سوها» کشف شده است. مصطفی وزیری دبیر کل شورای عالی آثار باستانی مصر درباره این اکتشاف بیان کرد: بقایای این معبد شامل دیوارهایی است که نام «بطلموس چهارم» بر روی آن حکاکی شده است. قسمت‌هایی از دیوارهایی از جنس سنگ آهک و کف‌پوش نیز در این مکان کشف شده است. بقایای این معبد باستانی، حین ساخت‌وساز یک سیستم فاضلابی در روستا کشف شده است. به گفته «وزیری»، حفاری‌های بیشتر در این منطقه به‌منظور مرمت بقایای معبد، متوقف شده است. با به سلطنت رسیدن «بطلموس چهارم»، دودمان «بطلموسی» مصر باستان به‌تدریج ضعیف شد.

کشف یک معبد باستانی در مصر



وزارت آثار باستانی مصر از کشف بقایای یک معبد باستانی متعلق به دودمان «بطلموسی» در یکی از روستاهای این کشور خبر داد. به گزارش جام جم آنلاین از ایسنا، بقایای این معبد باستانی که به گفته باستان‌شناسان به چهارمین فرعون دودمان «بطلموسی» یعنی «بطلموس چهارم» (۲۲۱ تا ۲۰۴ پیش از میلاد مسیح) تعلق دارد، در یکی از روستاهای واقع در شمال شهر «سوها» کشف شده است. مصطفی وزیری دبیر کل شورای عالی آثار باستانی مصر درباره این اکتشاف بیان کرد: بقایای این معبد شامل دیوارهایی است که نام «بطلموس چهارم» بر روی آن حکاکی شده است. قسمت‌هایی از دیوارهایی از جنس سنگ آهک و کف‌پوش نیز در این مکان کشف شده است. بقایای این معبد باستانی، حین ساخت‌وساز یک سیستم فاضلابی در روستا کشف شده است. به گفته «وزیری»، حفاری‌های بیشتر در این منطقه به‌منظور مرمت بقایای معبد، متوقف شده است. با به سلطنت رسیدن «بطلموس چهارم»، دودمان «بطلموسی» مصر باستان به‌تدریج ضعیف شد.